

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۲

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال نوزدهم، شماره ۷۵، بهار ۱۴۰۲

اعتبار سنجی روایات مشتمل بر دعا از دیدگاه علما

سیده رقیه شهیدی^۱

حیدر حسن لو^۲

محمد حسین صائینی^۳

فرهاد ادریسی^۴

چکیده

رای علما و محدثان در اعتباربخشی به روایات دعایی دوگونه است: عده‌ای روایات مشتمل بر دعا را همانند هر حدیث دیگر نیازمند بررسی سندی و متنی و به‌کارگیری قواعد فقه الحدیثی می‌دانند؛ از این رو ملاک‌هایی جهت ارزیابی صحت و سقم آن ارائه کرده و صراحتاً برخی ادعیه را جعلی و یا محرف خوانده‌اند. دسته‌ای دیگر با استناد به روایات من بلغ، ضعف راوی یا راویان را به دیده اغماض می‌نگرند و با تساهل از آن می‌گذرند؛ از این دسته گروهی نیز به تقیید قاعده تسامح پرداخته‌اند. بر اساس احادیث من بلغ، اگر طریق روایت و انشاء دعا ضعیف و اسناد آن غیرمعتبر باشد، کسی که بر ضعف و سستی سند و قوف داشته‌باشد، شایسته است به قصد قربت دعا را قرائت کند نه به قصد ورود و انتساب قطعی آن به ائمه معصومین (علیهم‌السلام). در این گفتار، اعتبارسنجی روایات مشتمل بر دعا از دیدگاه علما مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و تبیین ایشان درخصوص دعای مأثور و غیرمأثور و نیز آراءشان را در رد یا قبول اصل تسامح در اسناد روایات مورد سنجش قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی:

دعا، اخبار من بلغ، تسامح در ادله سنن.

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. نویسنده مسئول: nastuh49@yahoo.com

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۴- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

بیان مسأله

در مکتب تشیع، دعا تنها گفتگو و گفتمانی در پوشش الفاظی زیبا و عباراتی مسجع نیست بلکه بخش قابل ملاحظه‌ای از معارف عقیدتی و کلامی اهل بیت علیهم السلام در قالب دعا، با تعبیری ساده و عباراتی شیوا، تبیین شده است. لذا مفاهیم و مضامین دعا به جهت اهمیت ویژه‌ای که ائمه علیهم السلام به آن مبذول داشته‌اند، شایسته تأمل و بررسی است. از سوی دیگر در اجابت دعا و ایصال دعاکننده به مقصود و مطلوب خویش سه رکن ملحوظ نظر است: ۱. اراده حق تعالی بر اجابت ۲. اعتقاد و باور درونی دعاکننده بر قطعیت اجابت ۳. قالب الفاظ و مضامین دعا. رکن نخست هیچ گونه بحث و تردیدی را برنمی‌تابد و اراده حق تعالی بر استجابت دعاست که می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰) و نیز می‌فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره: ۱۸۶) سخن بر سر اهمیت دو رکن دیگر و سهم هر یک در حتمیت اجابت دعاست. آیا صرف باور قلبی دعاکننده به اجابت مستلزم تحقق قطعی و ایصال او به مطلوب خویش است؟ آیا دعا در قالب هر لفظی که درآید و هر مضمونی را متحمل شود، پذیرفتنی است حتی اگر به بافته‌های شبانی عامی یا هذیان‌های مسحوری عاشق‌پیشه بماند؟ یا باید الفاظ و مضامین دعا صرفاً از سوی منبعی والا و با ارزش تعلیم شود؟

باور قلبی و اعتقاد درونی دعاکننده به اجابت دعا اگرچه تنها عامل حتمیت اجابت دعا نیست لیکن تعلیم قرآن کریم و آموزه‌های معصومین علیهم السلام هرگونه قنوط و ناامیدی را مذمت کرده‌اند. به عبارت دیگر باور و یقین به اجابت دعا شرط لازم اجابت است نه شرط کافی.

در پاسخ پرسش از رکن سوم، پاسخ‌ها متفاوت است. برخی بر این باورند که تنها دعایی با ارزش است و به اجابت قرین می‌گردد که مضامین آن از منبعی والا صادر شده باشد همان‌گونه که آدم(ع) کلمات توبه را از خدای متعال آموخت و در قالب دعا به درگاه پروردگار خویش تضرع جست. ائمه طاهرین(ع) نیز به شاگردان خویش، کیفیت دعا، شرایط و آداب آن را می‌آموختند.

در مقابل ایشان، روایات من بلغ موجب شده است تا دسته دوم، به دعا از حیث حدیث بودن آن با تسامح برخورد کرده و حدیث شناسان با تساهل از کنار آن بگذرند.

این مقاله در تبیین موضوع تسامح در ادله سنن و تحقیق در آرای موافقان و مخالفان این نظریه با رویکرد و روش تحلیلی و توصیفی سامان یافته است.

۱. دیدگاه علما در رد یا قبول اصل تساهل و تسامح در اسناد روایات فضائل الاعمال، اذکار،

ادعیه ترغیب و ترهیب

اصل تسامح در ادله سنن اصلی مشهور می‌باشد که بر اساس آن سنجش صحت روایات فضائل الاعمال، اذکار، ادعیه ترغیب و ترهیب ضروری نخواهد بود. ولی علی‌رغم این شهرت دسته‌ای با ارائه دلایل عقلی منکر این اصل بوده و در صحت روایات من بلغ نیز به شدت تردید کرده‌اند. دسته‌ای دیگر نیز ضمن پذیرش این روایات به تقیید آن دست‌یازیده‌اند. در این‌جا به تفصیل دیدگاه علما را در این خصوص تبیین می‌کنیم.

تسامح در ادله سنن

سنت در لغت عبارت است از: راه و روش، (الطریقه و السیره). (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۳۹۹) و در اصطلاح به عنوان یکی از ادله اربعه و منابع فقهی یعنی قول و فعل و تقریر پیامبر یا امام(ع). (مطهری، بی تا: ۱۱)

در کتاب علم الحدیث و درایه الحدیث آمده است: سنت همان قول و فعل و تقریر معصوم(ع) است. سنت به آنچه طریقه معصوم(ع) و منتسب به وی است اصطلاح شده است؛ چنان‌که در فقه بیشتر همین معنی لحاظ می‌شود یا در مقابل بدعت آمده است. گاهی هم سنت در مقابل فریضه و به معنی مستحب است ولی می‌شود نتیجه گرفت که سنت به معنی اعم همان نفس فعل و قول و تقریر معصوم(ع) است و به معنی اخص، مرادف مستحب و بقیه احکام تکلیفی (وجوب و حرمت و کراهت و اباحه) اطلاق شده، ولی در علم الحدیث اطلاق سنت، بیشتر به همان معنی اعم است. (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۶: ۱۱ - ۱۰)

علامه مجلسی در ذیل حدیثی در کتاب صلاه بحار در اطلاقات واژه سنت سخن گفته است؛ نیز مصحح بحار در همان‌جا از پیامبر(ص) نقل کرده است که سنت بر دو نوع است: یکی در فریضه و دیگری در غیر فریضه. (مجلسی، ۱۳۹۰، ج ۸۵: ۱۹۷)

علمای علم اخلاق نیز سنت را در سنن اخلاقی و آداب معاشرت به‌کار برده‌اند که همانا عبارت باشد از ویژگی‌ها و رفتارهای پسند دین و خرد که آدمی خود را بدان‌ها می‌آراید. (رضوی، ۱۳۷۸: ۲۳۹ - ۱۰۸)

مقصود از سنن در موضوع مورد بحث، مستحباتی است که با آداب و رسوم اخلاقی نیز هم‌سویی دارند.

تسامح در ادله سنن به معنی آسان‌گیری در مدارک روایاتی است که حکایت‌گر آداب و کارهای مستحبی هستند. به این معنا که در پذیرش روایاتی که احکام و آداب مستحبی را باز می‌گویند باید آسان‌گیری شده و در صورت لزوم از ضعف سند نیز چشم‌پوشی نمود.

منشأ قاعده تسامح

احادیث فراوانی از طریق شیعه و سنی که ادعا شده تا به مرحله «تواتر» رسیده (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۸: ۱۱۳) در دست است مبنی بر اینکه هرگاه به کسی حدیثی برسد که فلان عمل، فلان ثواب را دارد، و آن کس به امید نیل به آن ثواب، آن عمل را انجام دهد خداوند ثواب آن عمل را به او خواهد داد اگرچه چنان گفتار و مطلبی از معصوم (ع) نرسیده باشد.

دانشمندان علم اصول و فقه و حدیث و درایه از این روایات، به مناسبت اینکه نوعاً در آن‌ها کلمه «من بلغه» به کار رفته و یا چنان‌که توضیح داده خواهد شد این اخبار مربوط به احادیث ضعافی است که در مورد تسامح در مستحبات وارد شده تعبیر به «اخبار من بلغ» و یا تسامح در ادله سنن» کرده‌اند. (قربانی، ۱۳۷۰: ۱۴۱) ولی اختلاف آن‌ها در فقه الحدیث این روایات، موجب شده که هر فردی آن را به گونه‌ای تفسیر کند و هر گروهی آن را به باب مخصوصی حمل نماید.

بعضی آن را مخصوص به احادیث ضعافی می‌دانند که در مستحبات و مکروهات وارد شده که در صورت رعایت آن‌ها ثواب وعده داده شده را درک نمایند و بعضی دیگر آن را مربوط به کل روایاتی می‌دانند که در عین بلوغ آن‌ها از مجاری مطمئن و عقلانی (نه ضعاف) بر امور واجب و یا مستحبی دلالت داشته باشند که در صورت انجام وظیفه طبق آن‌ها و عدم مطابقت آن‌ها با واقع، تفضلاً از ناحیه پروردگار، ثواب و پاداش موعود را دریافت دارند.

جمعی هم آن را اعم از هر دو می‌دانند و اظهار می‌کنند: روایات مربوطه هم شامل احادیث معتبر با توجیه یاد شده و هم شامل احادیث ضعاف به گونه‌ای که گفته شد، خواهد بود. (همان، ۱۴۲) بخش زیادی از روایات، از مستحب‌ها سخن می‌گویند و شماری از فقها به این دلیل که احکام مورد سخن در این روایات احکام مستحبی اند بحث از اینکه این روایات چه جایگاهی دارند و از چه پایگاهی برخوردارند را از نظر روایات و محتوا لازم نمی‌دانند و در پذیرش آن‌ها آسان‌گیری کرده‌اند. (رضوی، ۱۳۷۸: ۲۱۰) مانند استحباب وضو برای حمل قرآن و تفاوت زن و مرد در مستحبات وضو، (همان، ۲۰۹) برخی از وضوها و غسل‌های مستحبی (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۴۴ و ۱۳۸؛ مکی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۳۴) و

برخی از علما، تسامح را به مسائل اخلاقی و آداب تسری داده و حدیث «اربعمائه» را با آن‌که سند سستی دارد با معاضدت از شهرت و قاعده تسامح پذیرفته‌اند. (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۷۰) در کتاب‌های روایی اهل سنت نیز روایت‌هایی به این معنا وجود دارد و صبحی صالح نیز به شرح و تبیین محدوده تسامح پرداخته است. (قربانی، ۱۳۷۰: ۱۴۶)

پدیده قاعده تسامح در ادله سنن

این روایات‌ها سبب پدید آمدن قاعده «تسامح در ادله سنن» در میان عالمان متأخر شده‌است. در کتاب‌های فقهی و حدیثی پیش از علامه حلی، مانند نوشته‌های شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی و... از دلیلی به نام دلیل تسامح، یاد نشده‌است ولی در کتاب‌های روایی و کتاب‌های دعا، روایاتی بدون سند و یا ضعیف ثبت شده‌است که برخی از نویسندگان معاصر، تسامح در سنن را دلیل آن شمرده‌اند. (رضوی، ۱۳۷۸: ۲۱۰)

علامه حلی، ابن فهد حلی، شهید اول و گروهی دیگر از علمای پس از ایشان، از تسامح در ادله سنن یاد کرده و بر اساس آن فتوا داده‌اند. از سده دهم به این سوی، کسانی از عالمان درباره تسامح در ادله سنن رساله نوشته و اصطلاح «قاعده تسامح در ادله سنن» شکل گرفته‌است. از جمله شیخ بهایی در اربعین، سید مجاهد در مفاتیح الاصول، میرفتاح حسینی مراغی در العناوین و محدث بحرانی در حدائق و نراقی در عوائد الایام و شیخ انصاری در رساله «التسامح فی ادله السنن» مسئله تسامح در سنن را مطرح کرده‌اند. (همان، ۲۱۰) به طور معمول عالمان در بحث سنن وضو از مسئله تسامح سخن به میان آورده‌اند.

اصولیان، بیشتر در بحث احتیاط در عبادت و امکان آن به دلیل تسامح، به بررسی مسئله پرداخته‌اند و برخی مسئله را در مستثنیات شرایط خبر واحد، بیان داشته‌اند. (همان، ۲۱۱)

فقیه بزرگ شیعه شیخ انصاری در رساله تسامح در ادله سنن به نقل کلمات بزرگان پیرامون قاعده تسامح به دیدگاه علامه حلی در منتهی و شهید اول در کتاب ذکری و ابن فهد حلی در عده‌الداعی و شیخ بهایی در اربعین و شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه و سید محمد موسوی عاملی در مدارک الاحکام و... پرداخته‌است.

اخبار من بلغ

به نظر می‌رسد در صدور روایات من بلغ خدشه‌ای وارد نشده‌است زیرا این روایات مستفیض و محفوظ به قرائن در کتب معتبر شیعی آمده و مورد توجه علما واقع شده‌است و در سلسله سندها، روایانی برجسته و ممتاز قرار دارند.

بر این اساس، شیخ انصاری در رساله تسامح در ادله سنن در ابتدای نقل اخبار من بلغ می‌فرماید: «الاخبار المستفیضة التي لا یبعد دعوی تواترها معنی؛ اخبار - من بلغ - مستفیض است و بعید نیست که بتوان ادعای تواتر معنوی آن‌ها را کرد. (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۳۷) و در ادامه می‌نویسد:

و هذه الاخبار مع صحه بعضها غنیة عن ملاحظه سندها لتعاضدها و تلقیها بالقبول بین الفحول نعم
ربما اعترض علیها من غیر جهت السند بوجه. (همان: ۱۴۲) «در صورت صحت بعضی از این اخبار

اینها از ملاحظه سندشان به خاطر اینکه بین علما مورد قبول واقع شده‌اند بی‌نیاز هستند بلکه گاهی بر این اخبار از جهتی غیر از جهت سند به وجوهی اعتراض شده‌است. آن‌گاه وی شش روایت از احادیث شیعه و یک روایت نیز از طریق عامه نقل می‌کند. (همان، ۱۴۲ - ۱۴۱)

شیخ کلینی محدث بزرگ شیعی در کتاب کافی بابی دارد به نام «من بلغه ثواب من الله علی عمل» و در ذیل این باب دو روایت نقل کرده‌است.

۱. علی بن ابراهیم، عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن هشام ابن سالم، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من سمع شیئاً من الثواب علی شیئی فصنعه، کان له، و ان لم یکن علی ما بلغه.

۲. محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان، عن عمران بن الزعفرانی، عن محمد بن مروان قال سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول: من بلغه ثواب من الله علی عمل فعمل ذلك العمل التماس ذلك الثواب، اوتیه، و ان لم یکن الحدیث كما بلغه. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۷۱)

کسی که خبر پاداش الهی برای عملی به او برسد و آن عمل را در پی دستیابی به آن پاداش به جای آورد، آن پاداش به او داده خواهد شد گرچه حدیث آن‌گونه که به او رسیده، نباشد.

شیخ حر عاملی محدث شهیر دوران اواخر صفویه نیز در کتاب وسائل الشیعه بخش طهارت باب هجدهم را با ۹ حدیث به اخبار من بلغ اختصاص داده‌است. وی عنوان باب را این چنین نامگذاری کرده‌است: استحباب الاتیان بکل عمل مشروع روی له ثواب منهم علیهم السلام.

دو حدیث وسائل الشیعه همان احادیث اصول کافی است و دو روایت هم از کتاب اقبال سید بن طاووس نقل شده‌است؛ نیز دو روایت از ثواب الاعمال و عیون الاخبار و توحید شیخ صدوق و سه روایت از محاسن برقی و یک روایت هم از کتاب عده الداعی ابن فهد حلی نقل شده‌است. (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۶۱ - ۵۹)

این روایات روی این نکته تأکید دارند که اگر کسی شنیده‌باشد انجام فلان عمل دارای فلان ثواب است و به امید نیل به ثواب، اقدام به انجام آن عمل نماید خداوند تفضلاً همان پاداش و ثواب وعده داده‌شده را به او خواهد داد اگرچه چنان دستوری را هرگز نداده و چنان ثواب و پاداشی را وعده نرموده‌باشد. (قربانی، ۱۳۷۰: ۱۴۳)

در برداشت از روایات یادشده، توجه به مطالب و نکات زیر ضروری است:

۱- باید ثواب و پاداش مسموع، منسوب به خدا و پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - باشد (من بلغه من الله فضیله - من بلغه علی النبی - ان من بلغه شیء من الخیر، از باب اینکه روایات ائمه - علیهم السلام - روایت رسول الله است).

۲- باید آنچه رسیده‌است «وعده» باشد نه «وعید»، پاداش باشد نه کیفر. (من وعده الله علی عمل ثواباً - من بلغه من الله فضیله - شیء من الخیر - شیء من الثواب).

- ۳- انگیزه انجام فعل باید امید نیل به وعده الهی و ثواب موعود باشد. (رجاء ثوابه، فصنعه، فعمل ذلک العمل التماس ذلک الثواب، ففعل ذلک طلب قول النبی).
- ۴- اگرچه کشف خلاف شود و درواقع چنان وعده‌ای را خدا و پیامبر و معصومین - علیهم السلام - نداده باشند ثواب‌های موعود، داده خواهد شد (و ان لم یکن الامر کما نقل، و ان کان رسول الله لم یقله، و ان لم یکن الحدیث کما بلغه، و ان لم یکن کذلک).
- ۵- ظاهر کلمه ثواب، خیر و فضیلت که در روایات باب، در مورد کاری وعده داده شده‌اند و ترتیب اثر دادن و انجام آن (فصنعه - فعمله - ففعل ذلک) دلالت بر فعل دارد نه ترک، مگر با الغاء خصوصیت و با تأویل که ترک را نیز نوعی فعل بدانیم چنان‌که مرحوم شیخ انصاری این‌گونه فهمیده‌اند. (همان، ۱۴۴)

تفسیر اخبار من بلغ

در تفسیر و تبیین اخبار من بلغ، دو نگرش کلی به چشم می‌خورد:

- ۱- اخبار من بلغ، بر تسامح و تساهل نسبت به روایاتی دلالت دارد که ثواب عمل مستحبی را یادآور شده باشد. این معنا مشهور میان عالمان است گرچه بزرگانی مانند علامه مامقانی تسامح در مستحبات را از این احادیث استفاده نکرده‌اند و سمع و بلغ را بر سماع و بلوغ معتبر حمل کرده‌اند. (مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۹۷ - ۱۹۶) گفتنی است روایت ضعیفی که کذب باشد و با عقل سلیم یا مبانی دینی هماهنگ نباشد هرگز مشمول احادیث من بلغ نیست و هیچ عالم شیعی به استناد این احادیث، به عملی که مخالف عقل و مبانی دینی باشد، ترغیب نکرده‌است. شیخ بهایی می‌نویسد: مورد تطبیق «احادیث من بلغ» جایی است که ظن به کذب نباشد گرچه ظن به صدق با توجه به احادیث من بلغ لازم نیست. (بهایی، ۱۴۱۵ ک ۳۸۷)
- ۲- اخبار من بلغ در صورتی بر استحباب عملی که برای آن ثواب گفته شده، دلالت دارد که آن حدیث معتبر بوده و از روایات ضعیف نباشد زیرا استحباب همانند وجوب، حکم شرعی است و همان‌طور که در اثبات وجوب نیازمند دلیل شرعی معتبر هستیم، در اثبات استحباب نیز نیاز به چنین دلیلی داریم. در کراهت و حرمت نیز همین سخن می‌آید. (بحرانی، بی تا، ج ۴ ک ۲۰۴؛ واعظ حسینی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۲۰)

آرای فقیهان و محدثان درباره تسامح در ادله سنن

درباره تسامح در سنن، عالمان و محدثان به دو گروه مخالف و موافق تقسیم می‌شوند و هر گروه در داخل خود دارای آرای مختلف است. از این رو با احتساب دیدگاه‌های فرعی و اختلاف در جزئیات موضوع مطرح، دیدگاه‌ها و نظرات دو طیف مخالف و موافق گسترده‌است و پرداختن به همه این آرا از

حاصله این نوشتار خارج است لذا به فشرده‌ای از نظرات اشاره خواهد شد و برای تحقیق گسترده‌تر می‌توان از جمله به این منابع رجوع کرد:

الدرايه، فقيه مشهور شيعی قرن دهم شهيد ثانی، (جلی عاملی، بی‌تا: ۲۹) کتاب الاربعون حدیثا عالم نامدار شيعی شيخ بهایی (بهایی، ۱۴۱۵: ۳۸۷ - ۳۹۲) شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی (مازندرانی، ۱۴۲۱: ۲۷۶ - ۲۷۴) مرآة العقول علامه مجلسی، (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۸: ۱۲۰ - ۱۱۲) حدائق الناظره از محدث بحرانی، (بحرانی، بی‌تا، ج ۴: ۲۰۳ - ۱۹۸) عوائد الايام از ملا احمد نراقی، (نراقی، ۱۴۷۰: ۷۹۸ - ۷۹۳) و رساله تسامح در ادله سنن، از فقيه اصولی سترگ شيعه، شيخ انصاری (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۷۴ - ۱۳۲) که رساله‌ای است بسیار نفیس و با موشکافی و دقت درخور و عالمانه در قاعده تسامح تألیف شده است و بسیاری کتب دیگر.

چنانکه پیشتر گفته شد در موضوع قاعده تسامح در سنن، فقها دو گروهند: مخالفان تسامح برای ثابت کردن دیدگاه خود به آیه نبأ و ضرورت کاوش از خبر فاسق و آیات و روایاتی که اعتماد به گمان را ناروا شمرده‌اند و نیز اصل عملی استدلال جسته‌اند. (بحرانی، بی‌تا، ج ۴: ۲۰۳ - ۱۹۸) موافقان قاعده تسامح هم به «اخبار من بلغ»، اجماع، شهرت و حسن احتیاط تمسک جسته‌اند. (انصاری، ۱۴۱۴، صص ۱۴۳ - ۱۳۸)

برخی از مباحث عمده مطرح پیرامون قاعده تسامح عبارت است از:

۱. بررسی حوزه شمول قاعده تسامح در روایات ضعیف و غیرضعیف.
 ۲. بررسی ارتباط قاعده تسامح با احکام خمس.
 ۳. چگونگی اعمال قاعده تسامح با دیگر قواعد اصولی و فقهی.
 ۴. بررسی اصولی یا فقهی بودن قاعده تسامح.
 ۵. تبیین ماهوی نتیجه و ثمره قاعده تسامح.
 ۶. بررسی اشمال قاعده تسامح با مآخذ غیرشيعی.
 ۷. بررسی اجتهادی یا تقلیدی بودن کاربرد قاعده تسامح.
- در اینجا لازم است برخی از آرای بزرگان ارائه شود تا موضوع بهتر تبیین گردد. در کتاب ذکری آمده است: احادیث الفضائل يتسامح فيها عند اهل العلم، علما در موضوع اخبار فضائل، آسان می‌گیرند. (مکی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۳۴)

ابن فهد حلی پس از نقل روایات من بلغ می‌فرماید: «فصار هذا المعنى مجمعاً عليه بين الفريقين، یعنی قاعده تسامح اتفاقی بین شيعه و سنی است». (حلی، ۱۴۰۷: ۱۳)

شيخ بهایی دانشمند نامدار دوره میانی صفوی در کتاب اربعین خود به موضوع قاعده تسامح پرداخته است؛ وی ابتدا دیدگاه شيعه را مطرح کرده است و بعد از اشاره به احادیث من بلغ منقول از اصول کافی و اشاره به روایت منقول شيخ صدوق، این روایات را منشأ تساهل فقهای شيعه در دلائل

سنن دانسته، نوشته است: «و هذا هو سبب تساهل فقهائنا فی البحث عن دلائل السنن و قولهم باستحباب بعض الاعمال التي ورد بها اخبار ضعيفه بترتب الثواب عليها (بهایی، ۱۴۱۵: ۳۸۹ - ۳۸۸) آن‌گاه شیخ بهایی به طرح دیدگاه اهل سنت پرداخته و اعتقاد نووی، یکی از بزرگان سنی را به قاعده تسامح در فضایل - با قیود و شرایط گفته شده - آورده است. (همان، ۳۹۰)

شهید ثانی دانشمند نامدار شیعه قرن دهم هجری در کتاب مشهورش «الدرایه» تسامح در سنن را می پذیرد مشروط به اینکه روایات ضعیف در مورد صفات خداوند بزرگ و احکام حلال و حرام نباشد و نیز ضعیف روایت به حد دروغ و ساختگی نرسد. عبارت سخن شهید ثانی این چنین است: «و جوز الاكثر العمل به ای بالخبر الضعیف فی نحو القصص والمواعظ و فضائل الاعمال لا فی نحو الصفات الله المتعال و احکام الحلال و الحرام وهو حسن حيث لا يبلغ الضعف حد الوضع و الاختلاف لما اشتهر بين العلماء و المحققين من التساهل بادلہ السنن. (جبلی عاملی، بی تا: ۲۹)

در کتاب «عدۀ مسائل» منسوب به آقا حسین خوانساری - عالم قرن ۱۱ هجری - رساله ای به نام تسامح در ادله سنن وجود دارد.

همچنین کتاب دیگر این عالم شهیر مشارق الشموس است؛ وی در هر دو اثر تسامح در ادله سنن را پذیرفته است، در مشارق الشموس، به دلیل شهرت و در رساله تسامح به دلیل روایات، مسئله تسامح را پذیرفته است. (رضوی، ۱۳۷۸: ۲۱۱)

ملا احمد و ملا مهدی نراقی نیز به جواز قاعده تسامح رأی داده اند. (خراسانی، ۱۴۲۰: ۴۰۱) آخوند خراسانی عالم اصولی مشهور در کفایة الاصول به بررسی احادیث من بلغ و ادله تسامح در سنن پرداخته است. وی دیدگاه مساعدی در این موضوع دارد. (همان، ۴۰۱)

دیدگاه همه عالمان در مورد قاعده تسامح مساعد نیست. از زمان علامه به بعد، تسامح مخالفان بسیاری دارد؛ از جمله علامه در پاره ای از فتاوا، علامه صیمری مؤلف غایة المرام و صاحب مدارک در پاره ای از فتاوا و بسیاری از متأخران. به نوشته صاحب العناوین چه بسیار از علمای پسین که در بسیاری از فروع عبادات، از به کاربردن قاعده تسامح به صورت شبهه حرمت، خودداری کرده اند. (بحرانی، بی تا، ج ۴: ۲۰۲)

صاحب حدائق می نویسد: با احادیث ضعیف، استحباب ثابت نمی شود و آنچه مسلم و قطعی از اخبار من بلغ استفاده می شود این است که ثواب بر یک عمل شرعی داده می شود. (همان، ۲۰۲)

آیت الله مامقانی یکی از مخالفان قاعده تسامح است؛ وی در مقباس الهدایه می نویسد: «فظهران التسامح فی ادله السنن و الکراهة مما لا وجه له». (مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۹۷)

آیت الله خویی، بررسی سندی احادیث من بلغ را لازم ندانسته و صحت برخی از این روایات را هم تأیید می کند. اما ایشان استفاده قاعده تسامح از آن روایات را با طرح مباحثی نفی می کند؛ وی می -

نویسد: «فتحصّل ان قاعده التسامح فی ادله السنن مما لا اساس لها» نتیجه اینکه قاعده تسامح در ادله سنن هیچ پایه‌ای ندارد. (واعظ حسینی، ۱۴۱۲: ۳۲۰)

وی همچنین می‌نویسد: «اما نقول: لا دلالة لهذه الاخبار على حجية الخبر الضعيف و لا على الاستحباب العمل... و لا يعنى بالخبر الضعيف الدال على الاستحباب اصلاً» ما قائلیم که این اخبار هیچ دلالتی بر حجیت خبر ضعیف و نیز دلالتی بر استحباب عملی که با خبر ضعیف می‌رسد، ندارند... و به خبر ضعیفی که دلالت بر استحباب دارد به هیچ وجه اعتنا نمی‌شود. (همان، ۳۲۰)

یکی از نویسندگان معاصر روایات من بلغ را جعلی دانسته و معتقد است که این دسته از روایات از سوی جاعلان در میان شیعه و اهل سنت وضع شده است تا روایات جعلی دیگر را مشروعیت بخشند؛ وی در بخشی از سخنان خود می‌نویسد: در کنار این دسته از مزدوران حدیث‌پرداز، گروهی نیز به گونه‌ای دیگر حدیث ساختند احادیثی را از زبان معصومان(ع) به انگیزه غیرت دینی در زمینه‌های ترغیب و ترهیب پدید آوردند و گفته‌های ساختگی خود را با روایاتی تأیید کردند؛ روایاتی با این مضمون که «معصومان(ع) فرمودند: هر کس که به او خبر رسد که فلان کار چنین ثوابی دارد و به قصد آن ثواب بدان عمل پردازد، آن ثواب به او داده می‌شود، گرچه معصوم نفرموده باشد. این کار را برای تقرب به خدا انجام می‌دادند و می‌پنداشتند که کار خوبی می‌کنند. این دسته از روایات جعلی در میان شیعه و اهل سنت رواج یافت. (معروف حسینی، بی تا: ۸۸)

بهره‌مندی مطلوب از قاعده تسامح

نباید از قاعده تسامح در ادله سنن این‌طور نتیجه‌گرفت که این قاعده موجب می‌شود چهره واقعی دین مشوه گردد؛ زیرا این قاعده علاوه بر این که مربوط به معارف و احکام حلال و حرام نیست، محدود به حدود و شرایطی است. باید توجه داشت که پذیرش روایاتی که دارای سند ضعیف بوده اما دلیلی دیگر به جبران ضعف پرداخته است، در میان فقها و علما بی‌سابقه نبوده است و در قصص و اندرزها تا وقتی ندانیم دروغ است به دلیل تسامح می‌توانیم از اخبار ضعیف استفاده کنیم ولی آن اخبار ضعیف نباید به گونه‌ای باشد که بوی وضع و ساختگی بدهد. (قربانی، ۱۳۷۰ ک ۱۵۹)

حاجی نوری، صاحب مستدرک، در کتاب لؤلؤ و مرجان به بیان معنای ادله تسامح در سنن پرداخته است و بهره‌مندی از قاعده تسامح را مشروط به چارچوب خاص دانسته و توصیه به عدم تعمیم بی‌مورد آن نموده است. (نوری، ۱۳۷۹: ۲۷۹)

بنابراین علاوه بر این که روی عدالت و وثاقت راوی باید دقت شود و همچنین نگریسته شود که حدیث از روی تقیه صادر نشده باشد و خبر سست و سبک نباشد و با روح اسلام و مذهب و عقاید و ارزش‌ها نستیزد. اگر گزارشی در دید خردمندان و حدیث‌شناسان بی‌ارزش جلوه کند و یا با اصول

اسلام همساز نباشد نشانگر است که امامان معصوم علیهم السلام آن را بیان نکرده‌اند. (رضوی، ۱۳۷۸: ۲۲۸)

نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی آراء موافقان و مخالفان قاعده تسامح می‌توان چنین نتیجه‌گرفت که علما درخصوص مرز میان دعای مأثور و غیرمأثور و میزان پذیرش و پابندی آن بر دو رأی متفاوتند: عده‌ای بر این اعتقادند که احادیث و روایات مشتمل بر ادعیه همانند هر حدیث دیگر باید دارای متنی وثیق و سندی صحیح باشد؛ از شرایط صحت سند، عدالت و وثاقت راوی است و از شرایط صحت متن همسوئی آن با قرآن و همسازی آن با اصول مسلم اسلام و مذهب است. در مقابل ایشان دسته دیگری از علما، با استناد به برخی روایات رسیده از معصومین معتقدند خواندن دعای غیرمأثور حرام نیست بلکه باید از جعلیات قطعی اجتناب نمود. بر اساس احادیث من‌بلغ، اگر طریق روایت دعا ضعیف و اسناد آن سست باشد، کسی که آگاه بر ضعف سند است شایسته است به قصد قربت مطلق دعا را بخواند نه به قصد ورود و انتساب قطعی آن به معصوم(ع).

منابع و مأخذ

- (۱) قرآن کریم
- (۲) ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۳) انصاری، مرتضی، (۱۴۱۴ق)، «رساله فی تسامح فی ادله السنن»، بی‌جا: مجموعه رسائل فقهیه، کنگره جهانی شیخ انصاری.
- (۴) بحرانی، یوسف، (بی‌تا)، حدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، قم: نشر اسلامی.
- (۵) بهایی، محمد بن حسین، (بی‌تا)، الاربعون حدیثاً، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- (۶) جبلی عاملی، زین الدین، (بی‌تا)، الدرایه، قم: منشورات مفید.
- (۷) حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۹۱ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، تحقیق: ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۸) حلی، ابن فهد، (۱۴۰۷)، عدّه الداعی و نجاح الساعی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- (۹) خراسانی، محمدکاظم، (۱۴۲۰ق)، کفایه الاصول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- (۱۰) رضوی، عباس، (۱۳۷۸ش)، تسامح در ادله سنن از دیدگاه آقا حسین خوانساری، قم: مجله فقه، ش ۲۰ و ۱۹.
- (۱۱) طباطبائی، علی، (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث
- (۱۲) قربانی، زین العابدین، (۱۳۷۰ش)، علم حدیث، قم: انتشارات انصاریان
- (۱۳) کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ق)، الکافی، تعلیق علی‌اکبر غفاری، تهران: اسلامیة
- (۱۴) مازندرانی، ملا صالح، (۱۴۲۱ق)، شرح اصول کافی، تعلیق: میرزا ابوالحسن شعرانی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی
- (۱۵) مامقانی، عبدالله، (۱۴۱۱ق)، مقیاس الهدایه، قم: مؤسسه آل‌البتیة(ع)
- (۱۶) مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۰)، مرآة العقول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- (۱۷) _____، (۱۳۹۰ق)، بحارالانوار، تهران: انتشارات اسلامیة.
- (۱۸) مدیرشانه‌چی، کاظم، (۱۳۷۶ش)، علم الحدیث و درایه الحدیث، قم: انتشارات اسلامی.
- (۱۹) مطهری، مرتضی، (بی‌تا)، آشنایی با علوم اسلامی اصول فقه، فقه، قم: انتشارات صدرا.
- (۲۰) معروف حسنی، سید هاشم، (بی‌تا)، الموضوعات فی الآثار و الاخبار، مصر: دارالتعارف.

- (۲۱) مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، (۱۴۱۹ق)، ذکری الشیعه، قم: آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث العربی
- (۲۲) نراقی، ملا احمد، (۱۴۱۷)، عوائد الایام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۲۳) نوری، حسین، (۱۳۷۹ق)، لؤلؤ و مرجان، قم: انتشارات احمد مطهری
- (۲۴) واعظ حسینی بهسودی، محمد سرور، (۱۴۱۲)، مصباح الاصول تقریرات اصول آیت الله خویی، قم: منشورات مکتبه الداوری.

Validation of Hadiths, Including Prayer, in Faqih's Point of View
Seyyede Roghayeh Shahidi¹, Heidar Hasanlu^{2*}, Mohammad hossein Saeini³, Farhad
Edrisi⁴
PhD Student, Quranic Sciences and Hadith, Zanjan Branch, Islamic Azad
University, Zanjan, Iran.
Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Zanjan
Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.*Corresponding Author
nastuh49@yahoo.com
Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Zanjan Branch,
Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Zanjan Branch,
Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Abstract

Faqih's opinion about the Hadiths which include prayers can be classified into two categories: 1. Some of Hadiths including prayer should be validated according to the rules of Fiqh and be confirmed like the other Hadiths. So some criteria have been presented to show the accurate or inaccurate Hadith. Therefore some Hadiths are apocryphal or corrupted. 2. Hadiths which have the criterion of "man balaqah". This type of Hadiths ignore the mentioned criteria and deficiency of the "Ravii". This is called the rule of "Tasamoh" which means tolerance. Based on the

Based on the rule of Tasamoh and Hadiths which are "man balaqah" if somebody knows the lack of Criterion of Hadith, he should refer it to the intention of becoming close to Allah (Qorb). The article intends to figure out the various aspects of validation of the Hadiths which contain prayers by Faqih's point of view.

Keywords:

"man balaqah", Faqih, Hadith, Ravii, prayer, Tasamoh.